

رفرم اجتماعی یا انقلاب؟

بخش اول

مقدمه*

عنوان بالا- رفرم اجتماعی یا انقلاب؟- می تواند در اولین برخورد موجب شگفتی گردد. آیا سوسیال دموکراسی مخالف رفرم اجتماعی است؟ و یا این که آیا می تواند انقلاب اجتماعی و دگرگونی نظام موجود را، که هدف نهایی اوست- در برابر رفرم اجتماعی قرار بدهد؟ مسلماً، نه.

در حقیقت، در جریان مبارزات روزمره به خاطر رفرم اجتماعی، به خاطر بهبود وضع زحمتکشان در چهارچوب وضع موجود و به خاطر ضوابط دموکراسی، تنها یک راه برای سوسیال دموکراسی باقی می ماند یعنی مبارزه طبقاتی را رهبری کردن، قدرت سیاسی را قبضه نمودن، و الغای سیستم مزد را هدف نهایی قرار دادن. از نظر سوسیال دموکراسی میان رفرم اجتماعی و انقلاب اجتماعی رابطه تفکیک ناپذیری وجود دارد به این معنی که برای او رفرم اجتماعی وسیله است و دگرگونی اجتماعی هدف.

* - گفت گو درباره سلسله مقالات برنشتاین راجع به "مسائل سوسیالیسم"، مندرج در "عصر

نویسن "۹۸-۱۸۹۷ و چاپ مخصوص "روزنامه خلق لایپزیگ"، ۱۸۹۸.

تازه در تنوری برنشتاین است که ما با مقابله این دو عامل، در جنبش کارگری مواجه می شویم- و این چیزی است که او در مقالاتش تحت عنوان مسایل سوسیالیزم در روزنامه "عصر نوین"، ۹۸-۱۹۹۷ و هم چنین در کتابی به نام "شرایط لازم برای سوسیالیزم" مطرح کرده است عملاً، تمام این تنوری به چیز دیگری جز این نصیحت منتهی نمی شود که از دگرگونی اجتماعی یعنی هدف نهایی سوسیال دمکراسی صرف نظر گردد و برعکس رفورم اجتماعی که وسیله ای برای مبارزه طبقاتی است تبدیل به هدف گردد. برنشتاین به گویاترین و تندترین لحن نظریات خود را فرموله کرده است، به این ترتیب که می گوید: "هدف نهایی هر چه باشد برای من چیزی نیست و این جنبش است که همه چیز است."

البته از آن جانی که هدف نهایی سوسیالیستی، تنها عامل تعیین کننده ایست که جنبش سوسیال دمکراسی را از دمکراسی بورژوازی و رادیکالیزم بورژوازی متمایز می سازد و تمام جنبش کارگری را به جای تلاش برای نجات نظام سرمایه داری به یک مبارزه طبقاتی پرعلیه این نظام و برای از بین بردن آن- و او می دارد. در این صورت سؤال مربوط به مسأله "رفورم اجتماعی یا انقلاب" به مفهومی که برای برنشتاین مطرح می باشد، برای سوسیال دمکراسی مسأله هستی یا نیستی می گردد. در تحلیل نهانی مباحثه با برنشتاین و طرفدارانش بر سر این یا آن نحوه مبارزه و این یا آن تاکتیک نیست بلکه بر سر تمام موجودیت جنبش سوسیال دمکراسی است.

این شناخت برای کارگران واجد اهمیتی مضاعف می باشد. زیرا اتفاقاً در این جا موضوع او و نفوذ او در جنبش، مطرح می باشد و این گوشت و پوست اوست که به معرض فروش گذاشته می شود. جریان فرصت طلب حزبی که برنشتاین از نظر تنوریک فرموله می کند چیزی جز کوشش ناخودآگاهانه برای این منظور- که تفوق عناصر خرده بورژوایی وارد حزب شده را تضمین نماید و پراتیک و هدف حزب را با نظریات آن هامنطبق سازد- نیست. از طرف دیگر سؤال مربوط به رفورم اجتماعی و

انقلاب، مربوط به هدف نهائی جنبش، مسأله خصلت خرده بورژوائی یا پرولتری جنبش کارگری است.

ترجمه: انتشارات سیاهکل، سازمان چریک های فدائی خلق، فروردین ۱۳۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴